یادداشت روز

پاسخگوی زیان‌های ناشران کیست؟

داود علی بابایی*

● برای چهارمین سال پیاپی نشر «امید فردا» به دلایل نامعلوم از حضور در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران محروم می‌شود. انتشارات «امید فردا» در طول ۱۴ سال فعالیت خود بیش از ۱۵۰ عنوان کتاب به چاپ رسانده است. وقتی به مسوول کمیته ناشران داخلی در روز چهارشنبه ۹۲/۱/۲۸ مراجعه کردم، ایشان گفتند: «نشر امید فردا امسال هم از حضور در نمایشگاه محروم است.» گفتم: «چرا؟» گفت: «نمی‌دانم.» گفتم. «از کجا دستور رسیده؟» گفت: «از بالا.» با توجه به موضوع پیش‌آمده دوست دارم نظر فرهنگ‌دوستان، کمیسیون فرهنگی مجلس، کارگزاران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر ریاست‌جمهوری، شورایعالی فرهنگ، شورایعالی انقلاب فرهنگی، اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران و... را به نکات زیر جلب کنم:

۱-کارگزاران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌خصوص کارمندانی که سابقه طولانی و قدمتی در این نهاد دارند به برخی از ناشران نگاه ناهمراه دارند از جمله نشر «امید فردا». این ناشران که به سرمایه‌داران ورشکسته معروف هستند (یعنی بالقوه سرمایه‌دار و بالفعل ورشکسته‌اند) هرروز وضعیت نامساعدتری پیدا می‌کنند.

۲- در سال ۱۳۹۰ نامه‌ای در چند سطر به معاون فرهنگی اسبق نوشتم و از تعلیق فعالیت نشر خود و عدم حضور در نمایشگاه گله کردم و ایشان چند دستور بر حاشیه نامه من نوشت و شرایطی را برای فعالیت دوباره نشر «امید فردا» بیان کرد که به‌زودی این نامه را در اختیار روزنامه‌نگاران و جراید قرار خواهم داد و این دستورات از یک معاون وزیر ناباورانه و بعید است.

۳- نشر «امید فردا» عضو اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران است که سالانه مبلغی جهت عضویت پرداخت می‌کند ولی هیات مدیره اتحادیه در جهت دفاع از حقوق صنفی ناشران فعالیتی ندارد و گویا رسالت اصلی خود را فراموش کرده است درحالی‌که این اتحادیه باید مدافع حقوق صنفی و فرهنگی ناشران باشد.

۴- در سه سال گذشته که انتشارات «امید فردا» از حضور در نمایشگاه محروم بوده، بیش از ۱۰۰میلیون‌تومان زیان دیده است و نیز چون نمایشگاه محل تبلیغ ناشران است، نشر «امید فردا» دیگر منزوی و گوشه‌گیر شده و از فعالیت باز ایستاده است. چه کسی یا چه نهادی می‌خواهد جواب این زیان‌های مادی، معنوی، فرهنگی و صنفی را بدهد؟

۵- سال قبل که من را از نمایشگاه محروم کردند در مطبوعات و رسانه‌ها از عملکرد کارگزاران وزارت فرهنگ انتقاد کردم به همین سبب تمدید پروانه‌ام پنج ماه طول کشید. در خاتمه بیانیه، قضاوت در مورد عملکرد کارگزاران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در مورد نمایشگاه کتاب تهران و محروم‌کردن برخی ناشران به‌خصوص نشر «امید فردا» را به عهده فرهنگ دوستان می‌گذارم.

*مدیر انتشارات امید فردا

پیشخوان نمایشگاهی

«تاریخ با غرغرهای اضافه» در نمایشگاه

● تاریخ ایران با غرغرهای اضافه به نمایشگاه کتاب آمد. «تاریخ با غرغرهای اضافه» مجموعه کتابی است درباره تاریخ ایران با نگاهی انتقادی و طنزآمیز نوشته علی‌اصغر سیدآبادی، برای نوجوانان و عموم علاقه‌مندان غیرتخصصی تاریخ ایران که سه جلد نخست آن را انتشارات آفرینگان به‌تازگی منتشر کرده و نخستین توزیع آن در نمایشگاه کتاب انجام می‌شود. این مجموعه مروری است بر تاریخ ایران با زبانی ساده و آمیخته به شوخی و طنز که تاریخ ایران را با نگاهی انتقادی بازخوانی می‌کند. این مجموعه را رودابه خائف تصویرسازی کرده است. همچنین از تصویرهای مستند تاریخی نیز استفاده شده است.

«ایران چگونه ایران شد؟»، «این نقشه بزرگ، چرا کوچک شد؟» و «نخستین تجربه استعمار غربی در ایران» عنوان‌های سه کتاب نخست این مجموعه هستند.

سرخط

مهر: بن کینگزلی، بازیگر انگلیسی که اکنون با فیلم «مرد آهنی ۳» روی پرده‌های سینماست، در جدیدترین فیلمش با عنوان «بازی پایان‌دهنده» در نقش مازر راخام ایفای نقش کرده است و جهان را نجات می‌دهد.

ایسنا: لئوناردو دی کاپریو، بازیگر سینما که جدیدا در فیلم «گتسبی بزرگ» درخشیده است، در مصاحبه‌ای که اخیرا انجام داده، گفته که ترجیح می‌دهد برای مدتی از سینما فاصله بگیرد و به خود استراحت بدهد.

زیر آسمان فیروزه‌ای

وزیر ارشاد ورود کرد

جمع‌آوری «سلطانه» و «عشق‌ممنوعه» از نمایشگاه

فرزانه ابراهیم‌زاده

کسانی که این روزها از نمایشگاه کتاب دیدن می‌کنند با کتاب‌هایی جالب روبه‌رو می‌شوند. دو تا از این کتاب‌ها براساس دو مجموعه تلویزیونی و ترکیه‌ای هستند که این روزها از شبکه‌های فارسی غیرمجاز ماهواره‌ای پخش می‌شوند و در نمایشگاه کتاب هم در دسترس علاقه‌مندانند. موضوعی که «محمد اللهیاری» معاون امور نمایشگاهی بیست‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و رییس اداره کتاب از آن ابراز بی‌اطلاعی کرده است. البته این روزها پیدا کردن اللهیاری و سایر دست‌اندرکاران نمایشگاه به دلیل مشغله‌های فراوان تقریبا ناممکن است. اما خبرنگار ایسنا، که موفق شده با اللهیاری گفت‌وگو کند، گفته است: «از این موضوع بی‌اطلاع هستم. در این مورد ما به‌طور مداوم در حال رصد فضای نمایشگاهی به منظور ایجاد فضای آرام برای مخاطبان هستیم.» البته اظهار بی‌اطلاعی محمد اللهیاری با توجه به سمت رسمی او در اداره کتاب نکته قابل‌توجهی است. به این دلیل که اگر کتابی با این عناوین منتشر شده و در سطح بازار و حتی نمایشگاه کتاب در دسترس است به این معناست که از اداره کتاب جمهوری اسلامی که زیرنظر معاونت فرهنگی اداره می‌شود مجوز انتشار و خروج از چاپخانه گرفته است. نکته‌ای که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در واکنش به ورود این کتاب‌ها به نمایشگاه در گفت‌وگو با ایسنا، به آن اشاره کرده است: «در نمایشگاه کتاب گروهی برای نظارت بر این‌گونه مسایل وجود دارد قطعا اگر کتاب‌ها مجوز چاپ نداشته باشند و در نمایشگاه عرضه شوند با ناشران آنها برخورد می‌کنیم. ولی اگر مجوز نشر گرفته‌اند و در حال عرضه در نمایشگاه هستند نشان می‌دهد که قبلا در بررسی کتاب‌ها از سوی مسوولان کوتاهی صورت گرفته است.» اما چطور این دو کتاب زیر نگاه دقیق ممیزان اداره کتاب وارد بازار شده‌اند موضوع پیچیده‌ای است. این دو کتاب با عنوان «عشق ممنوعه» و «سلطانه» چند سال پیش مجوز نشر گرفته و منتشر شده‌اند. «عشق ممنوعه» نوشته «خالد ضیااوشاکلی گیل» یکی از پیشگامان داستان‌نویسی ادبیات نوین ترکیه است که در سال ۱۳۹۰ - یعنی در زمان پخش سریال در ترکیه و ماهواره - در تهران منتشر شده است. اما کتاب دوم که حتما جنجال‌های بیشتری به همراه خواهد داشت کتابی با عنوان «سلطانه» است که توسط «کالین فالکر» نوشته شده است و درباره زندگی «سلطان سلیمان قانونی» و روابط او با همسر روسی‌اش «روکسلانه» یا «خرم سلطان» است. این کتاب یکی از منابع اصلی مجموعه تلویزیونی «دوران باشکوه» یا ترجمه عربی - که در فارسی هم رایج شده - «حریم سلطان» است. این کتاب حدود سال‌های ۱۳۸۳ برای نخستین‌بار در تهران منتشر شده و در حال حاضر چاپ دهم آن در کتابفروشی‌ها در دسترس است. این کتاب بعد از پخش این سریال فروش بیشتری داشت و به‌تازگی تجدیدچاپ شده است. البته در اینکه این کتاب‌ها در سال‌های قبل منتشر شده‌اند با توجه به تاکید برای نمایش کتاب‌هایی که در سه سال گذشته منتشر شده‌اند، عرضه آنها در نمایشگاه جای تامل دارد اما به نظر می‌رسد جنجال «حریم سلطان» و «عشق ممنوعه» در نمایشگاه آنچنان باعث ورود خود وزیر شد و بعد از خبری که در خبرگزاری ایسنا، از بی‌اطلاعی او منتشر شد، روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامکی به نقل قول از «حسینی» اعلام کرد که کتاب‌های مرتبط با سریال‌های ماهواره‌ای از نمایشگاه جمع می‌شود.

نامه «پرویز تناولی» به «محمدباقر قالیباف»:

آثارم را بازگردانید

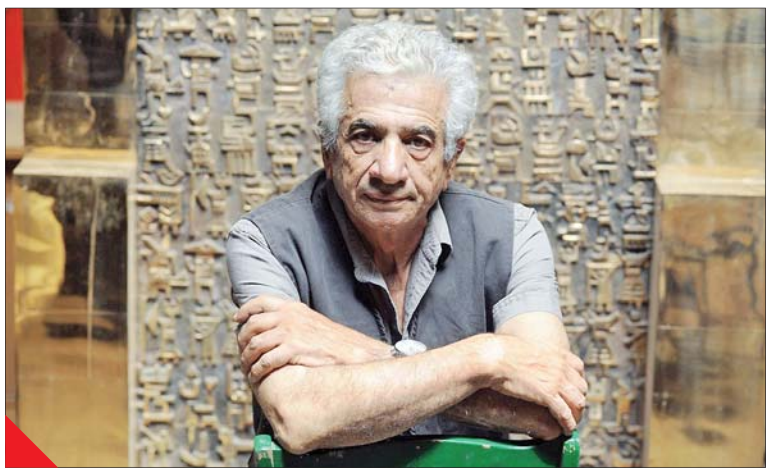

عکس: کاوه کاظمی، Gettyimages

پرویز براتی: اختلاف قدیمی پرویز تناولی و شهرداری تهران بر سر بازگرداندن آثار وی به کلافی سردرگم تبدیل شده؛ کلافی که گویا تنها با ورود شهردار به این ماجرا از هم گشوده خواهد شد. خانه‌ای در یکی از کوچه‌های قدیمی محله نیاوران، سال‌هاست چشم‌انتظار مجسمه‌ها و آثاری را می‌کشد که در دوران مدیریت محمود احمدی‌نژاد بر شهرداری، بر اساس قراردادی از این هنرمند خریداری شد. این البته تمام ماجرا نبود. در آن زمان بر اساس قرارداد مزبور نیمی از وجه تمام‌شده به این مجسمه‌ساز پرداخت شد، ولی نیم دیگر هیچ‌گاه به او داده نشد. هر چند تکلیف آن خانه با رای قاطع دیوان عدالت اداری منجر به بازپس‌دادن به تناولی شد؛ اما وضعیت مجسمه‌ها و دیگر آثار هنری وی، همچنان نامعلوم و نگران‌کننده است. این روزها بازگرداندن این آثار به دغدغه این مجسمه‌ساز پیشکسوت تبدیل شده و او بر آن است تا آثارش را به خانه خودشان برگرداند تا به گفته خود، خانه و آثار را برای آیندگان به یادگار بگذارد. تناولی در ادامه پیگیری‌های خود و در تازه‌ترین اقدام با نگارش نامه‌ای خطاب به محمدباقر قالیباف از وی خواست آثارش به وی بازگردانده و از پخش‌وپلا شدن آنها جلوگیری شود. در متن نامه این هنرمند که اختصاصا در اختیار «شرق» قرار گرفته، می‌خوانیم: «شهردار محترم پایتخت! در سال ۱۳۸۲ شهردار وقت تهران خانه مسکونی اینجانب را به موزه تبدیل کرد و تعداد ۶۰ قطعه از آثارم را نیز خریداری و در آن به نمایش گذاشت. اما عمر موزه کوتاه بود و با تغییراتی که در مدیریت شهرداری به‌وجود آمد، موزه تعطیل گردید و آثار به انبارهای شهرداری منتقل شد، اما کار با پس‌گیری ملک به درازا کشید. سرانجام پس از شش سال کش‌وقوس ملک با رای دیوان عدالت اداری به اینجانب بازپس گردانده شد. از همان ابتدای کار شرط واگذاری آثارم تجمیع آنها در خانه خودم بود که با تعطیلی موزه و انتقال آنها به مکان‌های مختلف شهرداری عملی نگردید. طی این مدت ۱۰سال بارها تقاضای بازپس‌گیری آثارم را کرده‌ام و سال گذشته وقتی مطلبی درباره فروش آثار هنری شهرداری تهران را در جراید دیدم، آمادگی خود را برای خرید آثارم اعلام کردم، اما نتیجه‌ای دریافت نکردم. با اطلاعاتی که به‌دست آورده‌ام، آثارم در مکان‌های مختلف پراکنده شده و بسیاری از آنها صدمه دیده و برخی هم ناپیدا شده‌اند، با چنین روالی آرزوهای دیرینه‌ام برای تجمیع آثارم در خانه خودم به باد خواهد رفت. با توجهی که آن شهردار محترم به امور هنری دارند، امید است در این مورد نیز اقدام نمایند و دستور باپس دادن آثارم را صادر فرمایند تا آنها را به خانه خودشان برگردانم و خانه و آثار را برای آیندگان به یادگار بگذارم. با احترام / پرویز تناولی.»

همان‌طور که در نامه هم مشهود است، تناولی از یک‌سو نگران صدمه دیدن و ناپدید شدن آثارش و از سوی دیگر «به یادگار گذاشتن» این آثار برای آیندگان است. اهالی تجسمی که تناولی بر بسیاری از آنها حکم استادی دارد منتظرند ببینند کشمکش چندساله این مجسمه‌ساز با شهرداری به کجا می‌رسد؟ آیا امیدی هست به خواسته هنرمندی که تا به حال بارها آثارش تخریب یا به شکلی غیراصولی نگهداری شده، مورد رسیدگی قرار گیرد. در آخرین مورد، خرداد سال گذشته بازدیدکنندگان محوطه اصلی کاخ نیاوران با صحنه دلخراش نابودی یکی از مجسمه‌های قدیمی تناولی روبه‌رو شدند؛ مجسمه‌ای مربوط به سال ۱۳۴۱ که از آن تنها یک پایه باقی ماند و از سرنوشت اصل مجسمه خبری نبود. همان زمان تناولی ضمن غیرفرهنگی خواندن این حرکت، اعتراض خود را خطاب به مسببان این واقعه اعلام کرد. مسوولان مربوطه در شهرداری، که آثار تناولی در مراکز تحت مدیریتشان تخریب و نابود می‌شود، به‌خوبی به این نکته واقفند که به لطف آثار گرانبهای این هنرمند و شماری دیگر از هنرمندان پیشکسوت، نام هنر ایران در بسیاری از مراکز معتبر هنری دنیا و مجلات تخصصی هنر برده شده و درخشیده است. چه بهتر که تا دیر نشده، اقدامی برای خاتمه دادن به این وضعیت صورت گیرد.

چهره روز

ادامه حرف و حدیث‌ها درباره مرگ «نرودا»

درگذشت شاعر؛ «سرطان پیشرفته»

● **شرق:** حرف و حدیث‌ها درباره مرگ پابلو نرودا از شاعران مطرح شیلی، همچنان ادامه دارد. آخرین خبری که درباره دلیل مرگ این برنده جایزه نوبل ادبیات مطرح شده، حاکی از آن است که او مبتلا به سرطان پیشرفته بوده است. اولین آزمایش‌هایی که پس از نبش‌قبر او انجام شده، نشان می‌دهد نرودا از سرطان پروستات رنج می‌برده، هرچند هیچ‌یک از این آزمایش‌ها نشان نمی‌دهد دلیل مرگ او از همین بیماری بوده است و برای صحت چنین ادعایی آزمایش‌ها همچنان در حال انجام هستند تا به نتیجه قطعی برسند. این آزمایش‌ها از چند هفته گذشته و بعد از صدور حکم دادگاه ملی شیلی برای نبش‌قبر نرودا آغاز شده‌اند. پزشکان و کارشناسان حرفه‌ای هم از کشورهای مختلف برای اینکه دلیل اصلی مرگ این شاعر مشخص شود، دور هم جمع شده‌اند. این متخصصان آزمایش‌های رادیولوژی و هیستولوژی را به صورت کامل انجام داده و نمونه‌های بافت استخوانی برای انجام آزمایش‌های بیشتر به آمریکا فرستاده شده‌اند.

پابلو نرودا متولد ۱۲ژوئیه ۱۹۰۴ در شیلی است که در ۲۳سپتامبر ۱۹۷۳، چند روز پس از کودتای ژنرال پینوشه و کشته شدن آلنده، درگذشت. وی در ۱۹۷۱ برنده جایزه نوبل ادبیات شد. او در طول عمر خود علاوه بر حوزه ادبیات، فعالیت‌هایی نیز در عرصه سیاسی انجام داد. او در طول حیات هم به دلیل فعالیت‌های سیاسی و ادبی خود طرفداران زیادی داشت و مرگش هم خالی از جنجال نبود. اعضای خانواده نرودا عنوان کرده‌اند او در ۶۹سالگی بر اثر پیشرفت بیماری سرطان پروستات درگذشت اما شیوه مرگ او وقتی به موضوعی مهم تبدیل شد که در سال ۲۰۱۱ مانوئل آریا، راننده شخصی نرودا، ادعا کرد تزریقی که پیش از مرگ برای او انجام شد، باعث فوت این شاعر شده است. نبش‌قبر او، به منظور مشخص شدن علت مرگش است و آزمایش‌ها برای روشن شدن این مساله درحال انجام است هرچند تاکنون نتیجه قطعی اعلام نشده.

گزارش روز

جشن ۵۰سالگی ویدیوآرت در گالری «ایست»

یک‌قرن در ۱۰روز

شرق: پس از برگزاری اولین جشنواره ویدیوآرت موفق در تهران، این روزها گالری «ایست» همزمان با پنجاهمین سالگرد پخش اولین ویدیوآرت اثر «نام جون پایک» هنرمند برجسته کره‌ای، میزبان نمایشگاه جالب‌توجهی است با نام «صد ضربدر صد مساوی است با نهصد.» نمایشگاهی بین‌المللی که هنرمندان، گالری‌ها و کیوریتورهایی از سراسر جهان در آن شرکت دارند. در این پروژه بزرگ، صد ویدیوآرتیست از سراسر جهان، قرن بیستم را با آثار خود روایت کرده‌اند. بر این مبنا هر هنرمند روایت یک سال از این قرن سرنوشت‌ساز را برعهده گرفته است.

به گفته «امیر راد» یکی از کیوریتورهای این نمایشگاه، روند برگزاری این فستیوال بزرگ از سال پیش و با یک فراخوان آغاز شده و هدف اصلی این پروژه به نمایش گذاشتن تصاویر و تفاسیر مختلف هنرمندان از قرن بیستم است؛ قرنی که بر زندگی تمامی انسان‌ها تاثیری غیرقابل‌کتمان داشته است. مدیران این فستیوال از هنرمندان خواسته‌اند تا با بررسی رویدادهای مهم قرن بیستم مهم‌ترین‌ها را انتخاب و طبق آن اثری ویدیویی خلق کنند. این پروژه قرار است از آوریل تا دسامبر امسال توسط بیش از ۳۰ گالری، موزه و آکادمی‌های هنر در سراسر جهان برپا شود. کشورهای زیادی در این فستیوال شرکت دارند از جمله آلمان، فرانسه، اسپانیا، ایتالیا، چین، آمریکا، یونان، روسیه، آرژانتین، پرو، مکزیک، برزیل، کلمبیا، هند، ارمنستان، مجارستان، آلبانی و فیلیپین.

فستیوال مگمارت ایتالیا حامی اصلی این فستیوال، پیش از این تمامی فعالیت‌های نمایشگاهی گالری «ایست» تهران را پوشش خبری می‌داد و شاید همین فعالیت‌ها باعث شد تا از این گالری جهت پخش آثار فستیوال دعوت به عمل آید.

متاسفانه هیچ هنرمند ایرانی‌ای به این فستیوال دعوت نشده است. اما به نظر امیر راد در یک نگاه کلی کیفیت آثار هنرمندان خارجی در مقایسه با آثار هنرمندان ایرانی از ارجحیتی ویژه برخوردار نیست و گاه شباهت‌های فراوانی نیز بین هنر ویدیو در ایران و خارج از ایران دیده می‌شود و نباید ویدیوآرت ایران را دست‌کم گرفت.

این نمایشگاه روز جمعه کار خود را آغاز کرد و تا ۱۰روز دیگر نیز ادامه خواهد داشت. علاقه‌مندان به هنر ویدیو می‌توانند هر روز (به‌غیر از شنبه‌ها) از ساعت ۱۷تا ۲۰ در گالری «ایست» به آدرس میدان ونک، خیابان شهید خدامی، پلاک ۴۰، طبقه دوم، شاهد پخش این آثار باشند.

عکس روز

نمایشگاه آثار مارک روتکو، هنرمند برجسته لتونیایی، که تابعیت آمریکایی نیز داشت در زادگاهش لتونی افتتاح شد. این اولین نمایشگاه از آثار روتکو نابغه سبک آبستره است که در یکی از کشورهای اروپای شرقی به نمایش گذاشته می‌شود. شش تابلوی نقاشی این آوانگارد روس که متعلق به خانواده اوست در شهر دوگواپیلس برای اولین‌بار در معرض دید عموم قرار گرفته است.

عکس: AFP